

بقیعی، بارگاہ ہا

بقیع، بارگاه ها

یکی از مسائل مورد مناقشه ای که وهابیت بر نفی آن تأکید بسیاری دارند، مسأله زیارت قبور و بنای بر قبور است. یکی از مهم ترین زیارتگاه های مسلمانان در عربستان سعودی نیز بقیع و بقاع آن بود که توسط وهابیون تخریب گردید. بقعه عثمان بن مظعون و ابراهیم فرزند پیامبر(ص)، بقعه امامان شیعه، بقعه فاطمه بنت اسد، بقعه همسران و دختران پیامبر(ص)، بقعه عثمان بن عفان و دیگر صحابی پیامبر(ص) از جمله بقاعی بوده اند که در طول تاریخ مسلمانان وجود داشته اند اما به دست وهابیون تخریب شدند.

بناهای ساخته شده بر قبور امامان و بزرگان در قبرستان بقیع

بقعه از «ب - ق - ع» در لغت به معنای قسمتی از زمین است که از نقاط همجواری متمایز باشد. [1] همچنین بر صومعه، زیارتگاه، مقبره، و مزار امامان دین و بزرگان [2] و اطاقک گرداگرد مزار ایشان [3] اطلاق شده است. بقیع* از همین ریشه و نام مشهورترین قبرستان مسلمانان است که در جنوب شرقی مسجدالنبی(ص) قرار دارد. با هجرت پیامبر به مدینه و گسترش این شهر، تعیین قبرستانی برای دفن اموات مسلمانان ضرورت یافت. از این رو، پیامبر(ص) در پی بازدید از سرزمین های گوناگون مدینه، بقیع را که در مسیر باب جبرئیل مسجد قرار داشت، [4] برگزید. [5] از زمان این رویداد گزارشی در دست نیست؛ ولی با توجه به هنگام وفات اسعد بن زراره خزرجی در شوال سال اول ق. و دفن او در بقیع، شاید بتوان تعیین بقعرا به عنوان قبرستان مسلمانان به سال اول و پس از بنای مسجد یا هم زمان با آن دانست. [6] البته برخی نویسندگان به قرینه مرثیه عمرو بن نُعمان بیاضی، تاریخ دفن مردگان در بقعرا پیش از اسلام یاد کرده و گفته اند که با ظهور اسلام، این قبرستان به مسلمانان اختصاص یافت. [7]

با دفن صحابی بزرگ عثمان بن مظعون [8] به سال دوم ق. و سپس دفن ابراهیم فرزند خردسال پیامبر(ص) به سال دهم ق. و نیز با تشویق های ایشان [9]، این قبرستان مورد توجه اصحاب قرار گرفت و مدفن بزرگان صحابه و شخصیت های اسلامی شد؛ جواز و مطلوبیت زیارت قبور اموات افزون بر این که از آیات قرآن کریم از جمله آیات 21 کهف/18 و آیه 84 توبه/9 برداشت می شود، [10] در روایت های گوناگون پیامبر(ص) سفارش شده است. [11] این روایت ها آنچنان فراوان هستند که در برخی کتاب های روایی فصلی مستقل به آن ها اختصاص یافته است. [12] پیامبر(ص) هر شب جمعه به بقیع می رفت و مدفونان آن را با جملاتی مخاطب قرار می داد. [13] او در واپسین سال زندگانی خود از سوی خداوند مأمور شد تا به بقیع رود و برای اموات طلب آمرزش کند. [14] از عایشه نیز گزارش هایی درباره حضور پیامبر در بقیعو طلب آمرزش برای اهل بقیع در دست است. [15] بقیع مورد توجه اهل بیت؛ نیز بوده و گزارش هایی از زیارت بقیع از جانب آن ها در منابع یاد شده است. [16] در روایت های اهل بیت؛ زیارت قبور مؤمنان مایه خوشحالی آن ها دانسته شده و سفارش گشته که بر مزار پدر و مادر و امامان، از خداوند نیاز بخواهند. [17] از این رو است که دانشورانی بسیار از شیعه [18] و سنی [19] زیارت بقیع را مستحب دانسته و بر استحباب زیارت قبر مطهر پیامبر(ص) اجماع کرده اند. [20] بر پایه گفته

رفعت پاشا (م.1353ق.) مردم مدینه هر پنجشنبه به زیارت اهل قبور بقیع می رفتند و بر قبرها دسته های ریحان و کنار آن ها شاخه های گل می چیدند.[21]

رواج دفن مسلمانان و شخصیت های دینی در بقیعو توجه فراوان مسلمانان به استحباب زیارت قبور بزرگان و مؤمنان، به تدریج موجب شد تا بناهایی بر برخی از این قبور برپا گردد. از جمله این شخصیت ها می توان به عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر(ص)، چهار امام شیعیان و چهره هایی دیگر از بنی هاشم و بستگان پیامبر(ص)، صحابه بزرگوار او و دانشوران و نخبگان مسلمان در طول تاریخ اشاره کرد.

نخستین گزارش ها از ساخت بنا بر قبور که در منابع نخست با عنوان مسجد از آن یاد شده است، به عهد نبوی بازمی گردد. بر این اساس، ابوحنبل بن سهیل از تیره بنی عامر بن لؤی مسجدی بر قبر ابوبصیر عتبه بن أسید ثقفی (م.قبل از 8ق.) ساخت[22] و رسول خدا(ص) با وجود آگاهی از این کار، آن را نهی نکرد. پس از رحلت پیامبر(ص) و دفن او در خانه خود، حفظ و تعمیر این بنا از همان سال های آغازین مورد اهتمام مسلمانان و خلفا بوده است. عمر بن خطاب (حک: 13-23ق.) دیواری بر قبر پیامبر ساخت.[23] عمر بن عبدالعزیز، حاکم مدینه به سال 91ق. به دستور ولید بن عبدالملک اموی (حک: 86-96ق.) با هدف گسترش مدفن حضرت، خانه او را ویران کرد و در تجدید بنا، محوطه پیرامون قبر را به آن افزود و حجره او را با سنگ مرمر تزیین کرد.[24] در روزگار ملک منصور نورالدین ایبک صالحی (حک: 655-657ق.) از ممالیک مصر در سال 656ق. با استفاده از مصالح ساختمانی ارسالی از مصر، مرقد پیامبر(ص) تعمیر و تزیین شد[25] و نخستین گنبد به نام «قبه زرقا*» بر حجره شریفه در حکومت سلطان قلاوون مملوکی(حک: 678-689ق.) به سال 678ق. زده شد.[26] از سده دوم ق. ساخت بنا و بارگاهبر قبور در سرزمین های اسلامی رایج شد.[27] بر قبر امیر المؤمنین(ع) گنبدی به دستور خلیفه عباسی هارون الرشید (حک: 170-193ق.) در سده دوم ق. ساخته شد.[28] گنبد جعفر (م.186ق.) پسر منصور عباسی نیز گواه وجود بنا و گنبد بر برخی قبور در میانه سده دوم ق. است.[29] اعتراض نکردن مسلمانان به این کار، نشان دهنده صحت عمل خلفا و اتصال سیره مسلمانان در بنای بر قبور* است.[30]

بر این اساس، در طول تاریخ، بقعه ها و گنبدهایی بر قبور بزرگان و شخصیت های مدفون در بقیع ساخته شد. مشهورترین این بناها عبارتند از:

1. بقعه عثمان بن مظعون صحابی پیامبر و ابراهیم فرزند خردسال رسول خدا(ص).

ابوسائب عثمان بن مظعون جُمحی صحابی بزرگ پیامبر(ص) بود. وی را نخستین مهاجری دانسته اند که در مدینه وفات یافت. هنگام وفات وی را سال دوم یا سوم ق. نوشته اند.[31] بر پایه گزارشی، پیامبر(ص) پس از وفات عثمان بن مظعون، وی را در بخش میانبقیع دفن کرد و فرمود: «هذه الروحاء»؛ «این جا، مکان راحتی و آسایش است.»[32] از آن پس سنگی را به نشانه این قبر بر آن نهاد.[33] این سنگ تا هنگام حکمرانی مروان بن حکم بر مدینه، در دوره حکومت معاویه بن ابی سفیان (حک: 40-60ق.) بر قبر عثمان قرار داشت تا این که به فرمان وی از آن جا برداشته شد[34] و به گزارشی آن را بر قبر عثمان بن عفان نهادند[35] که تا آن هنگام بیرون از بقیع قرار داشت و تازه به بقیع پیوسته بود؛ پس از وفات ابراهیم پسر 18 ماهه پیامبر(ص) به سال دهم ق. او امر کرد که وی را کنار قبر عثمان بن مظعون دفن کنند[36] و بالای قبر ابراهیم نیز سنگی به عنوان علامت نصب کرد.[37] سپس بالای قبر او ایستاد و بر ساکنان آن سلام داد.[38]

روایتی از دفن رقیه (م.2ق.) [39] و زینب (م.8ق.) دختران رسول خدا نزدیک قبر عثمان بن

مظعون حکایت دارد. [40] گزارش هایی از دفن افرادی چون عبدالرحمن بن عوف زهری از مهاجران به حبشه و مدینه (م.32/31ق.) که با عثمان بن مظعون پیمان بسته بود تا کنارش دفن شود [41]، ابو آمامه اسعد بن زراره خزرجی از حاضران در دو بیعت عقبه و نقیب بنی نجار (م.اول ق.)، سعد بن ابی وقاص زهری از نخستین اسلام آورندگان (م.55ق.)، عبدالله بن مسعود هذلی از نخستین اسلام آورندگان و از مهاجران به حبشه و مدینه (م.32ق.)، [42] خنیس بن حذافه سهمی داماد عمر و از مهاجران به حبشه و مدینه و از شهدای احد (م.3ق.) و فاطمه بنت اسد مادر امام علی (ع) (م.3ق.) [43] کنار قبر عثمان و ابراهیم حکایت دارند. بر این قبور گنبد و ضریحی ساخته شده بود که منابع پیشین به هنگام ساخت و نیز سازنده آن اشاره ندارند. شماری از محققان با توجه به شباهت ضریح ساخته شده برای قبور امامان شیعه و عباس با ضریح موجود بر این قبور، ساخت این بنا را نیز به مجدالملک براوستانی* (م.493/492ق.) وزیر ایرانی سلطان برکیارق سلجوقی (حک: 486-498ق.) نسبت می دهند. [44]

ابن جبیر (م.614ق.) در وصف این ضریح، آن را از جنس چوب دانسته که با نقش های بدیع تزیین شده بود و میخکوبی هایی به شکل بسیار زیبا بر آن دیده می شد. این ضریح به صورت پنجره ای چوبی بود که رو به قبله باز می شد. [45] مطری (م.741ق.) نیز همراه اشاره به مرقد ابراهیم، از ضریح مشبک سمت قبله مرقد یاد کرده است. [46] گنبد ساخته شده بر این بقعه به رنگ سفید بود. [47] از گزارش ها درباره این گنبد که واپسین آن ها به رفعت پاشا به سال 1325ق. [48] باز می گردد، برمی آید که این بنا تا هنگام ویرانی اول بقعه هایبقیع در سال 1220ق. در دولت اول سعودی باقی بوده است. [49] اکنون قبور موجود در این بقعه نشانه گذاری شده است.

2. بقعه امامان شیعه:

و عباس عموی پیامبر (ص): عقیل بن ابی طالب برادر امام علی (ع) بیرون بقیع و در سمت جنوب آن خانه ای بزرگ [50] در برابر خانه امام علی (ع) داشت. [51] به گزارشی، پیامبر (ص) در گوشه ای از این خانه می ایستاد و برای اهل بقیع آموزش می طلبید. روایت شده که دعا کردن در آن مستجاب است. [52] در گذر زمان، این خانه مکان دفن بزرگانی از بنی هاشم شد و بعدها به بقیع ملحق گشت. در منابع، این بخش از بقیعه مقابر بنی هاشم شهرت یافته است. [53] فاطمه بنت اسد (م.3ق.)، عباس بن عبدالمطلب (م.32ق.) عموی پیامبر (ص)، چهار تن از امامان شیعه، امام حسن (شهادت 50/49ق.) [54]، امام سجاد (شهادت 95/94ق.) [55]، امام محمد باقر (شهادت حدود 117/114ق.) [56] و امام جعفر صادق: (شهادت 148ق.) [57] از مدفونان در این خانه اند. بر پایه روایتی، امام سجاد (ع) این خانه را در حدود سال 65ق. بازسازی کرد. [58]

از هنگام پیوستن خانه عقیل به بقیع و ساختارگاهبر این قبور، آگاهی دقیقی در دست نیست. با توجه به وجود مدفن عباس بن عبدالمطلب، جدّ عباسیان، در این خانه، به احتمال می توان گفت که دهه های نخست سده دوم ق. که هم زمان با روی کار آمدن عباسیان است، هنگام تقریبی این امر بوده است. شاید از این رو است که در گزارش های سده دوم ق. و از آن پس، به وجود این قبور اشاره شده است. ابن زباله (م.199ق) از وجود مسجدی (حرم) بر قبر عباس بن عبدالمطلب و امامان شیعه خبر داده است. [59] ابن شبه (م.262ق) نیز از وجود مسجدی در سده سوم ق. بر قبر فاطمه بنت اسد گزارش داده است. [60] با توجه به نزدیکی قبور امامان شیعه و عباس به قبر فاطمه، به نظر می رسد که همه این قبور را در بر می گرفت. مسعودی

(م.345ق.) عبارت این سنگ را چنین گزارش داده است: «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله مُیید الأمم و محیی الرمم هذا قبر فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه و سلم سيدة نساء العالمين و قبر الحسن بن علی بن ابی طالب و علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب و محمد بن علی و جعفر بن محمد رضی الله عنهم».[61]

از ساخت نخستین گنبد بر مزار عباس و امامان شیعه نیز گزارش هایی متناقض در دست است. آورده اند که در سده پنجم ق. مجدالملک براوستانی گنبدی بر قبور امامان شیعه و عباس ساخت که بسیار بزرگ بود.[62] مطری به ساخت این گنبد بزرگ در دوران حکومت ناصر احمد بن مستضیء عباسی (حک: 575-622ق.) اشاره می کند.[63] ابن نجار (م.643ق.) که هم عصر با ناصر عباسی است، به قدمت گنبد تصریح دارد.[64] از این رو، به نظر می رسد که گزارش مطری غیرواقعی است. توصیفات ابن جبیر از این گنبد و قبور درون آن، از دقت بیشتر برخوردار است. وی گنبد ساخته شده بر این قبور را بسیار مرتفع شمرده که نزدیک در ورودی بقیع قرار داشت. قبور درون بقعه، بزرگ و از سطح زمین بلندتر بودند. این قبور ضریحی چوبین داشتند که با نقوشی برجسته از جنس مس با میخ کوبی هایی تزیین شده بود.[65] عبدری (م. بعد از 700ق.) این بقعه را همراه با بقعه عثمان بن عفان بزرگ ترین و زیباترین بارگاه بقیع دانسته است.[66] ابن نجار از وجود دو در برای بقعه یاد می کند که تنها یکی از آن دو هنگام زیارت گشوده می شد.[67] از دیگر کسانی که درباره چگونگی بقعه، گنبد و ضریح قبور امامان شیعه به این مطلب اشاره کرده اند، می توان از ابن بطوطه[68]، خالد بن عیسی (زنده به سال 740ق.) [69] و سمهودی (م.911ق.) [70] یاد کرد. محمد حسین فراهانی، از رجال دربار قاجار، در گزارش خود از سفر حج سال 1302ق. از بقعه هشت ضلعی امامان شیعه و عباس خبر می دهد. بر پایه این گزارش، در این بقعه صندوقی بزرگ از جنس چوب مرغوب بود و میان این صندوق بزرگ دو صندوق چوبی دیگر قرار داشت. درون یک صندوق قبر چهار امام شیعیان و درون صندوق دیگر قبر عباس قرار داشته است.[71]

این گزارش که همانند آن در سفرنامه 1292ق. فرهاد میرزا نیز به چشم می خورد[72]، بیانگر ساخت ضریحی جدید است که در گزارش های تا پیش از سده دهم ق. از آن یاد نشده است. بقعه عباس و امامان بقیعی سده های پیاپی مورد تعمیر و مرمت قرار گرفت. منابع از تعمیر بقعه به سال 519ق. به دستور مسترشد عباسی (حک: 512-529ق.) و نیز در روزگار مستنصر عباسی (حک: 623-640ق.) گزارش داده اند. کتیبه نصب شده بالای محراب بقعه که دربردارنده دستور خلیفه مستنصر برای تعمیر بقعه است، این ادعا را تأیید می کند.[73] از تعمیر این بقعه به سال 1234ق. به دستور سلطان محمود عثمانی (حک: 1223-1255ق.) و به دست محمد علی پاشا و نیز به سال 1292ق. در دوران حکومت عبدالعزیزخان عثمانی (حک: 1277-1293ق.) گزارش شده است.[74] آورده اند که پس از بازسازی سال 1234ق. این بقعه و دیگر بارگاه های بقیعه سه ساله تعمیر می شدند.[75]

3. بقعه حضرت فاطمه بنت اسد:

فاطمه بنت اسد (م.3ق.) از دیگر مدفونان در بقیع است که بر قبر وی بنایی ساختند. گزارش ها حکایت دارند که پیامبر به دلیل علاقه فراوان به فاطمه بنت اسد مادر امام علی(ع) او را مادر خود می دانست.[76] پس از رحلت آن بانو، او را با آداب ویژه دفن کرد. لباس خود را به جای کفن بر او پوشاند و برای ایمنی یافتنش از فشار قبر، لحظاتی در گور او خوابید. کهن ترین مدینه شناسان و منابع مدینه شناسی قبر وی را نزدیک قبر عباس و در خانه عقیل می دانند.[77] در سده 7ق. ابن نجار و پس از وی بسیاری از تاریخ نگاران و مدینه شناسان مکان قبر وی را به

اشتباه در شمال شرقی‌بقیعو شمال بقعه عثمان بن عفان دانسته و از رواج زیارت این قبر در دوران خود گزارش داده اند.[78] منابع پسین نیز این نظر را تأیید کرده اند.[79] سمهودی این گزارش را مردود و آن را نتیجه برداشت اشتباه ابن نجار از گزارش منابع پیشین دانسته و خود از دفن فاطمه نزدیک قبر ابراهیم و عثمان بن مظعون در روجاء گزارش داده است.[80]

با پیوستن خانه عقیل به‌بقیعو نیز ساخت بنا بر روی قبور امامان شیعه، قبر فاطمه نیز که در جنوب غربی این قبور قرار داشت، در این بنا قرار گرفت. گزارش ابن شبه از وجود مسجدی در سده سوم ق. در این مکان می‌تواند از ساخت نخستین بنا بر این قبر حکایت کند.[81] این قبر هیچگاه دارای ضریح نبوده و تنها پارچه‌ای گرانبها و گلابتون بر آن کشیده بودند.[82] بر پایه وقف نامه سلطان سلیمان عثمانی به سال 947ق. پرده‌ای ویژه برای این بقعه و بقاع دیگر فرستاده شد.[83] در سده‌های اخیر و در هنگام ازدحام حاجیان، شبکه‌ای از فولاد در جلوی طاق نما به صورت حائلی میان قبر و فضای عمومی درون حرم قرار می‌گرفت.[84] این شبکه در زمان ویرانی بقاع‌بقیع در 8 شوال سال 1344ق. به هفت قطعه تقسیم شد که شش قطعه آن را روی دیوار سمت راست و چپ در ورودی محوطه حرم حضرت حمزه (ع) و قطعه دیگر را سمت قبور شهدا نزدیک کوه احد نصب کردند.[85]

4. بقعه همسران پیامبر:

از دیگر بقاع مهم قبرستان بقیع، بقعه‌ای بود که بر مزار برخی همسران پیامبر (ص) بنا نهاده شده بود و در فاصله پنج متری جنوب قبر عقیل [86] و شمال قبور امامان شیعه قرار داشت. بنای این بقعه به سال 852ق. و در دوران حکومت امیر جقمق مملوکی (حک: 842-857ق.) به دست امیر بردبک معمار ساخته شده بود.[87] این قبور پیش از آن با دیوار سنگی کوتاه از دیگر قبرها متمایز شده بودند.[88] فرهاد میرزا (م. 1305ق.) در سفر خود به سال 1292ق. به وجود ضریح بر این قبور اشاره دارد.[89]

به رغم تصریح بسیاری از منابع به دفن همه همسران پیامبر جز خدیجه و میمونه در بقیع [90]، در تعیین شمار همسران وی که در این بخش از بقیعو در اینبارگاه مدفون شده‌اند، اختلاف نظر دارند. ابن شبه از وجود قبر ام حبیبه، دختر ابوسفیان، در خانه عقیل و قبر ام سلمه در بیت الاحزان یاد می‌کند.[91] ابن نجار به وجود چهار قبر برجسته در اینبارگاه بدون اشاره به همسران پیامبر اشاره کرده [92]؛ اما سمهودی آگاهی از وجود این تعداد قبر را درون بقعه به سبب مسطح بودن کف آن‌ها ناممکن دانسته است.[93] از این رو، تصریح برخی منابع و سفرنامه‌های پسین به نام هشت تن از همسران مدفون در اینبارگاه‌ها باید فاقد اعتبار دانست.[94]

5. بقعه عثمان بن عفان:

بقعه مهم بعد در انتهای بقیع، متعلق به عثمان بن عفان است. پس از کشته شدن وی به سال 35ق. از دفن جسدش در قبرستان بقیع پیشگیری شد و پیکرش در شرق بقیع [95] در محلی به نام حُش/حَاش (بستان) کوکب که محل دفن مردگان یهودی بود [96]، دفن شد. در روزگار حکومت مروان بن حکم بر مدینه، به دستور معاویه، دیوار میان‌بقیعو حش کوکب* برداشته شد و کوشیدند تا با دفن مردگان مسلمان در فاصله میان بقیع تا حش کوکب، قبر عثمان به بقیع افزوده شود.[97]

ابن جبیر از وجود گنبدی کوچک بر بقعه عثمان گزارش داده است.[98] پس از وی، ابن نجار و نیز ابن بطوطه (م. 770ق.) از بزرگ بودن این گنبد سخن گفته‌اند.[99] به نظر می‌رسد که در فاصله دیدار ابن جبیر و ابن نجار، گنبدی بزرگ جایگزین گنبد پیشین شده است. ساخت این گنبد را به اسامه بن سنان صالحی، از امیران سلطان صلاح الدین ایوبی، به سال 601ق. نسبت داده

اند. [100] عبدری (م. بعد از 700 ق.) این بقعه را همراه با بقعه عباس، بزرگ ترین و زیباترین بارگاه های بقیع دانسته است. [101]

6. بقعه عقیل بن ابی طالب و عبدالله بن جعفر:

بقعه معروف دیگر، بقعه عقیل (م. حدود 60 ق.) برادر امیر المؤمنین و نیز عبدالله بن جعفر (م. 80 ق.) برادرزاده عقیل است. این دو در خانه عقیل و در یک قبر [102] دفن شده اند. مزار اینان نزدیک به بقعه عباس و امامان شیعه و در فاصله پنج متری با قبور همسران پیامبر (ص) [103] قرار دارد. ابوسفیان بن حارث (م. 20/15 ق.)، پسر عمو و برادر رضاعی پیامبر (ص) از دیگر مدفونان در این بارگاه است. [104] درباره زمان ساخت این بقعه و سازنده آن، آگاهی چندانی در دست نیست. گزارش ابن نجار از این بقعه، از ساخت آن تا پیش از سده هفتم ق. حکایت دارد. [105]

7. بقعه دختران پیامبر:

بقعه منسوب به دختران پیامبر (ص)، رقیه (م. 2 ق.) و ام کلثوم (م. 9 ق.) همسران عثمان بن عفان، و زینب (م. 8 ق.) همسر ابی العاص بن ربیع از دیگر بقعه هایی بود که در شمال قبور امامان شیعه و جنوب غربی قبور همسران پیامبر (ص) و نزدیک قبر عثمان بن مظعون قرار داشت. منابع از دفن رقیه [106] و زینب [107] در بقیع، نزدیک به قبر عثمان بن مظعون، بر پایه سفارش پیامبر (ص) حکایت دارند. اما از مکان دفن ام کلثوم گزارشی در دست نیست. تنها نویسندگان پسین چون فرهاد میرزا [108] و رفعت پاشا [109] به دفن ام کلثوم کنار دیگر دختران پیامبر اشاره نموده و به بقعه ساخته شده بر قبر اینان توجه کرده اند. بر این قبور ضریحی برنجی قرار داشت. [110]

8. بقعه حلیمه سعديه:

در شمال شرقی بقیع، بقعه ای وجود داشت که به حلیمه، دایه پیامبر (ص) منسوب بود. منابع پیشین از زمان وفات این بانو و مکان دفن وی سخن نگفته اند. تنها قاضی عیاض (م. 544 ق.) از دیدار وی با ابوبکر و عمر یاد کرده [111] و مقریزی (م. 845 ق.) از وفاتش در روزگار پیامبر و تأثر رسول خدا از مرگ او یاد کرده است. [112]

ابن بطوطه از قبر حلیمه در بصره گزارش داده؛ اما در سفرنامه های سده های اخیر [113] از وجود قبر این بانو در بقیع در مسیر قبر عثمان بن عفان [114] یاد شده است. بر این قبر، گنبد و بارگاهی ساخته بودند که تاریخ ساخت آن نامعلوم است. درون این بارگاه، ضریحی چوبی بر قبر نصب شده بود. [115] نایب الصدر شیرازی (م. 1344 ق.) در گزارش سفر حج خود به سال 1305 ق. از دو بیت شعر ترکی نگاشته شده بر در این بقعه یاد کرده است. [116]

9. بقعه صفیه عمه پیامبر(ص):

دیگر قبری که در بقیع بر آن بنایی ساخته بودند، قبر صفیه (م. 20 ق.) دختر عبدالمطلب و عمه پیامبر (ص) است. این قبر تا نیمه دوم سده 14 ق. بیرون از بقیع در کوچه ای در بخش غربی آن قرار داشت. [117] زمین کنار این قبر از سوی عثمان بن عفان به مغیره بن شعبه واگذار شد و مغیره در این زمین برای خود خانه ای ساخت. [118] از این رو، قبر صفیه کنار دیوار این خانه قرار داشت. مطری (م. 741 ق.) از کوشش ناموفق معماران برای ساخت گنبد بر این بنا خبر می دهد. [119] سمهودی (م. 911 ق.) از بنایی بر قبر صفیه سخن گفته که فاقد گنبد بوده است. سید اسماعیل مرندی در سفرنامه اش به سال 1255 ق. از وجود گنبدی بر بنای این قبر گزارش داده است. [120] بر این اساس، باید ساخت گنبد را در فاصله قرن 10 تا 13 ق. دانست؛ در سال 1373 ق. شهرداری مدینه با برداشتن دیوارهای حائل میان بقیع و کوچه ای که قبر صفیه در آن قرار داشت، این کوچه و زمین های مجاور آن را با مساحت 3494 متر مربع به بقیع پیوند

داد. [121] اکنون این قبر درونبقیعو کنار دیوار غربی قرار دارد؛ وجود قبری گمنام کنار قبر صفیه، برخی نویسندگان پسین را به اشتباه واداشته و سبب شده که این قبر را به عاتکه، دیگر عمه پیامبر، نسبت دهند [122]؛ اما منابع سیره و صحابه نگاری در اسلام آوردن عاتکه تردید کرده اند. [123]

10. بقعه مالک بن انس:

از دیگر بناهای ساخته شده در بقیع، بقعه ای است متعلق به مالک بن انس (م. 179ق.) از امامان مذاهب اهل سنت که در روءاءبقیعو نزدیکبارگاهابراهیم قرار داشت. این بقعه با گنبدی کوچک در گزارش ابن جبیر یاد شده است. [124] با توجه به این گزارش، باید ساخت این بقعه را به پیش از سده هفتم ق. مربوط دانست. بنای اینبارگاهبه حدی کوچک بود که دفن فردی دیگر در آن امکان نداشت. [125]

11. بقعه نافع مولی ابن عمر:

از دیگر بارگاه های ساخته شده در بقیع، بقعه ای است که به نافع (م. 120/118ق.) از قراء هفت گانه مدینه تعلق داشته است. این بارگاهکنار بقعه مالک بن انس در شمال شرقی بقیع قرار داشت. سمهودی با توجه به آن که چنین بارگاهی در گزارش مطری در سده 8ق. نیامده، آن را از بناهای ساخته شده پس از عصر وی دانسته؛ ولی از سازنده بقعه و هنگام ساخت آن گزارش نداده است. [126]

12. بقعه اسماعیل فرزند امام صادق(ع):

قبر اسماعیل (م. 133ق.) فرزند بزرگ امام صادق نیز از قبوری بود که نخست بیرون بقیع و در غرب قبر عباس و امامان شیعه قرار داشت و بر آن بقعه و گنبدی ساخته بودند. ساخت این بقعه و گنبد را به فاطمیان نسبت داده اند. [127] فاصله این آرامگاه تا بقعه امامان شیعه، حدود 15 متر بود. پس از ویرانی بقعه های بیرون بقیع به دست وهابیان، گرداگرد قبر اسماعیل دیواری کشیدند. در سال 1353ش./ 1394ق. پس از زیرسازی و گسترش خیابان ابوذر، جسد اسماعیل با حضور بزرگان اسماعیلیه [128] به درون بقیع انتقال یافت و در سمت شرقی مقابر شهدای حره به سوی قبرحلیمه سعدیه دفن شد. اکنون این قبر بر اثر ساخت پیاده رو های درون بقیع، محو شده است. [129]

دیگر بارگاه های بقیع

از دیگر بقعه ها و بارگاه های بقیع، می توان به این موارد اشاره کرد: بقعه و گنبدی کوچک بر قبر سعد بن معاذ رئیس اوس (م. 5ق.) [130] و ابوسعید خدری از بزرگان خزرج (م. 64ق.) در انتهای بقیع [131]، بقعه ای کوچک بر قبر ابن ابی الهیجاء (زنده در سده 6ق.) از امیران دولت فاطمی در غرب بقعه عباس و امامان شیعه [132]، بقعه امیر چوپان از امیران ایلخانی (م. 723/728ق.) [133] نزدیک بقعه ابن ابی الهیجاء و قبر شیخ احمد احسائی (م. 1243ق.) بزرگ شیخیه، پشت بقعه امامان شیعه که به سال 1302ق. از وجود ضریحی فلزی برای آن یاد شده [134] است.

تخریب بقاع بقیع

برخی اهل سنت به ویژه وهابیان در پرتو افکارابن تیمیه به روایاتی برای تخطئه بنای بر قبوراستناد کرده [135] و ساختن بنا بر قبور را بدعت و شرک دانسته اند. [136] بر پایه این اعتقاد، در پی قدرت یافتن وهابیان در حجاز و بر خلاف وعده عبدالعزیزبن سعود به مسلمانان و نیز بر خلاف اجماع مذاهب که نباید به سبب اختلاف در فروع مذهبی یکدیگر راتکفیرکنند، آنان حکم ویرانی همه بقعه ها را در حجاز صادر کردند. در سال 1220ق. مدینه به محاصره نیروهای

وهابی درآمد و پس از تسلیم شدن شهر، سعود بن عبدالعزيز همراه توقیف و تصرف همه اموال موجود در خزائن حرم نبوی، دستور ویران کردن همه گنبد های بقیع را صادر کرد. [137] (تصویر شماره 16) با توجه به موج اعتراض مسلمانان کشورهای اسلامی به اهانت های سعودیان، دولت عثمانی که به بازپس گرفتن حرمین تمایل داشت، لشکری انبوه برای تصرف مدینه فرستاد و در ذی حجه 1227 ق. مدینه را بازپس گرفت. برخی از این بقعه ها به سال 1234 ق. به دستور سلطان محمود ثانی (حک: 1223-1255 ق.) بازسازی شد [138]؛ اما با حمله دیگر بار وهابیان به سال 1344 ق. همه آثار تاریخی این قبرستان به فتوای شیخ عبدالله بلیهد، قاضی القضاة سعودی، در هشتم شوال همان سال ویران شد. [139] (تصویر شماره 17) این بار نیز ویرانی بقیعواکنش هایی بسیار میان مسلمانان جهان برانگیخت. دولت ایران روز 16 صفر سال 1344 ق. را به مناسبت این هتک حرمت، عزای عمومی اعلان کرد. آیت الله مدرس پیگیری هایی انجام داد و مجلس ایران کمیسیونی را برای بررسی این موضوع تشکیل داد. مسلمانان در کشورهای چوچون هند، پاکستانو نیز بخش های مسلمان نشین شوروی سابق با برپایی همایش و ارسال پیام، به این اقدام اعتراض کردند و دولت سعودی برای پیشگیری از خشم مسلمانان و توجیه کوشش های خود، نمایندگان دولت های مسلمان را به مکه فراخواند. از ایران هیأتی مرکب از غفار خان جلال السلطنه، وزیر مختار ایران در مصر، و نیز حبیب الله خان هویدا در تاریخ 24 شهریور 1304 ش. وارد جدده شد؛ ولی با ترفندهای دولت سعودی و عدم پیگیری جدی از سوی مقام های کشورهای اسلامی، این قضیه مسکوت ماند. [140]

شیخ عبدالرحیم صاحب فصول حائری (م. 1327 ش.) از دانشوران تهران، در سال 1345 ق. همراه گروهی از ایرانیان از راه شام به حج رفت و پس از مذاکراتی با ملک عبدالعزيز توانست رضایت پادشاه سعودی را برای بازسازی بخشی از قبور امامان شیعه جلب نماید. [141]

پی نوشت ها

- [1]. العین، ج 1، ص 184؛ المحيط فی اللغه، ج 1، ص 195؛ مجمع البحرین، ج 4، ص 301؛ معجم مقاییس اللغه، ج 1، ص 281، «بقعه».
- [2]. لغت نامه، ج 3، ص 4256، «بقعه».
- [3]. فرهنگ فارسی، ج 1، ص 556، «بقعه».
- [4]. بقیع الغرقد، ص 21.
- [5]. الطبقات، ج 3، ص 399؛ المستدرک، ج 3، ص 190؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 177.
- [6]. الطبقات، ج 3، ص 611؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1601.
- [7]. معالم مکه و المدینه، ص 407-408.
- [8]. الطبقات، ج 1، ص 144.
- [9]. تاریخ المدینه، ج 1، ص 121؛ وفاء الوفاء، ج 3، ص 83.
- [10]. الحصون المنیعه، ص 27؛ الملل و النحل، ج 4، ص 253؛ الزیارة و التوسل، ص 14.
- [11]. صحیح مسلم، ج 3، ص 65؛ سنن النسائی، ج 4، ص 94؛ بحار الانوار، ج 79، ص 170.
- [12]. صحیح ابن حبان، ج 7، ص 439؛ شعب الایمان، ج 7، ص 14.
- [13]. تاریخ المدینه، ج 1، ص 132؛ کامل الزیارات، ص 529؛ وفاء الوفاء، ج 3، ص 111.
- [14]. ارشاد القلوب، ج 1، ص 33.
- [15]. صحیح مسلم، ج 3، ص 63؛ تاریخ المدینه، ج 1، ص 90؛ انساب الاشراف، ج 2، ص 213-214.
- [16]. الخصال، ج 1، ص 273؛ البدایة و النهایه، ج 5، ص 243؛ القاب الرسول و عترته، ص 58.
- [17]. وسائل الشیعه، ج 3، ص 223.
- [18]. المذهب، ج 1، ص 283؛ شرائع الاسلام، ج 1، ص 210؛ مسالک الافهام، ج 2، ص 383.

- [19]. مغنی المحتاج، ج1، ص513؛ كشف القناع، ج2، ص601.
- [20]. الشفا بتعريف حقوق المصطفى، ج2، ص194؛ شرح الشفا، ج2، ص150؛ وفاء الوفاء، ج4، ص187.
- [21]. مرآة الحرمين، ج1، ص426-427.
- [22]. الاستيعاب، ج4، ص1614؛ تاريخ دمشق، ج25، ص300؛ اسد الغابه، ج5، ص150.
- [23]. وفاء الوفاء، ج2، ص544؛ كشف الارتياح، ص314.
- [24]. الاعلاق النغيسه، ص69؛ الانس الجليل، ج1، ص305؛ اثاره الترغيب، ج2، ص378.
- [25]. تاريخ المدينه، ص177، 230؛ بهجة النفوس، ج1، ص540؛ وفاء الوفاء، ج2، ص154.
- [26]. وفاء الوفاء، ج2، ص157.
- [27]. مقابر، ج1، ص27.
- [28]. كشف الارتياح، ص308؛ اعيان الشيعه، ج1، ص536.
- [29]. المدخل الى موسوعة العتبات المقدسه، ص158.
- [30]. صيانة الآثار، ص79-80.
- [31]. الاستيعاب، ج3، ص1053-1055.
- [32]. تاريخ المدينه، ج1، ص100.
- [33]. تاريخ المدينه، ج1، ص102؛ سنن ابن ماجه، ج1، ص498.
- [34]. تاريخ المدينه، ج1، ص102؛ وفاء الوفاء، ج3، ص84؛ الدرّة الثمينه، ص168.
- [35]. وفاء الوفاء، ج3، ص84.
- [36]. اخبار المدينه، ص207؛ انساب الاشراف، ج2، ص88.
- [37]. الطبقات، ج1، ص144؛ انساب الاشراف، ج2، ص88؛ سبل الهدى، ج11، ص24.
- [38]. الطبقات، ج1، ص144؛ انساب الاشراف، ج2، ص88؛ تاريخ المدينه، ج1، ص99.
- [39]. تاريخ المدينه، ج1، ص103.
- [40]. مسند احمد، ج1، ص237؛ مجمع الزوائد، ج3، ص17.
- [41]. الدرّة الثمينه، ص168؛ وفاء الوفاء، ج3، ص88.
- [42]. الطبقات، ج3، ص151.
- [43]. وفاء الوفاء، ج3، ص88.
- [44]. اعيان الشيعه، ج3، ص299؛ تاريخ حرم ائمه بقيع، ص193.
- [45]. رحلة ابن جبیر، ص174.
- [46]. التعريف بما آنتست الهجره، ص119-120.
- [47]. رحلة ابن جبیر، ص173-174؛ رحلة ابن بطوطه، ص119.
- [48]. مرآة الحرمين، ج1، ص426.
- [49]. من اخبار الحجاز و النجد، ص104؛ عنوان المجد، ص137؛ البقيع قصة التدمير، ص84.
- [50]. الطبقات، ج4، ص44؛ المعارف، ص204.
- [51]. وفاء الوفاء، ج3، ص82.
- [52]. وفاء الوفاء، ج3، ص82.
- [53]. تاريخ المدينه، ج1، ص127.
- [54]. الكافي، ج1، ص472؛ البداية و النهايه، ج8، ص48.
- [55]. الكافي، ج1، ص469؛ تاريخ طبري، ج11، ص631.
- [56]. مروج الذهب، ج3، ص219؛ دلائل الامامه، ص215-216.
- [57]. ذخائر العقبي، ص141؛ مروج الذهب، ج3، ص219.

- [58]. بحار الانوار، ج 45، ص 344-345.
- [59]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 126-127.
- [60]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 123.
- [61]. مروج الذهب، ج 3، ص 285؛ التنبیہ و الاشراف، ص 260؛ تذکرۃ الخواص، ص 311.
- [62]. الکامل، ج 10، ص 352.
- [63]. التعریف بما آنست ہجرہ، ص 119.
- [64]. الدرۃ الثمینہ، ص 166.
- [65]. رحلۃ ابن جبیر، ص 174.
- [66]. رحلۃ العبدی، ج 1، ص 423.
- [67]. الدرۃ الثمینہ، ص 166.
- [68]. رحلۃ ابن بطوطہ، ص 125.
- [69]. تاج المفرق، ج 1، ص 289.
- [70]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 100.
- [71]. پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 237.
- [72]. سفرنامہ فرہاد میرزا، ص 141.
- [73]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 100.
- [74]. سفرنامہ فرہاد میرزا، ص 141.
- [75]. پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 237.
- [76]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 124؛ شرح نہج البلاغہ، ج 1، ص 14.
- [77]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 123-124.
- [78]. الدرۃ الثمینہ، ص 168؛ التعریف بما آنست ہجرہ، ص 43؛ اثارۃ الترغیب، ج 2، ص 351.
- [79]. تاریخ معالم المدینۃ المنورہ، ص 352؛ الجواہر الثمینہ، ص 205؛ موسوعۃ مرآۃ الحرمین، ج 4، ص 722.
- [80]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 85.
- [81]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 123.
- [82]. سفرنامہ فرہاد میرزا، ص 156؛ پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 238.
- [83]. التاریخ القویم، ج 4، ص 17، 20.
- [84]. پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 237؛ سفرنامہ فرہاد میرزا، ص 141.
- [85]. تاریخ حرم ائمہ بقیع، ص 107-109.
- [86]. فصول من تاریخ المدینہ، ص 167-168.
- [87]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 101.
- [88]. التعریف بما آنست ہجرہ، ص 120.
- [89]. سفرنامہ فرہاد میرزا، ص 156.
- [90]. الدرۃ الثمینہ، ص 165؛ التعریف بما آنست ہجرہ، ص 119؛ بہجۃ النفوس، ج 2، ص 101.
- [91]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 120.
- [92]. الدرۃ الثمینہ، ص 166.
- [93]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 101.
- [94]. فصول من تاریخ المدینہ، ص 167-168؛ پنجاہ سفر نامہ، ج 5، ص 241.
- [95]. التعریف بما آنست ہجرہ، ص 120.
- [96]. تاریخ طبری، ج 3، ص 438.

- [97]. اخبار المدینہ، ص 209؛ تاریخ المدینہ، ج 1، ص 112-113؛ تاریخ طبری، ج 3، ص 438.
- [98]. رحلة ابن جبیر، ص 174.
- [99]. الدرۃ الثمینہ، ص 166؛ رحلة ابن بطوطہ، ج 1، ص 361.
- [100]. التعریف بما أنست ہجرہ، ص 120؛ وفاء الوفاء، ج 3، ص 102.
- [101]. رحلة العبدی، ج 1، ص 423.
- [102]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 100-101.
- [103]. تاریخ حرم ائمہ بقیع، ص 235.
- [104]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 127؛ نک: الاستیعاب، ج 4، ص 1673.
- [105]. الدرۃ الثمینہ، ص 166.
- [106]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 103؛ الکافی، ج 3، ص 241؛ الطبقات، ج 8، ص 37.
- [107]. مسند احمد، ج 1، ص 237؛ الاستیعاب، ج 3، ص 1056؛ المستدرک، ج 3، ص 190.
- [108]. سفرنامہ فرہاد میرزا، ص 156.
- [109]. مرآة الحرمین، ص 478.
- [110]. پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 241.
- [111]. الشفا بتعریف حقوق المصطفیٰ، ج 2، ص 115.
- [112]. امتاع الاسماع، ج 2، ص 6.
- [113]. الرحلة الورثیلانیہ، ج 2، ص 539؛ موسوعة العتبات المقدسہ، ج 3، ص 282؛ پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 478.
- [114]. پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 478-479.
- [115]. پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 242.
- [116]. پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 479.
- [117]. مدینہ شناسی، ص 394.
- [118]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 126-127.
- [119]. التعریف بما أنست ہجرہ، ص 121.
- [120]. میقات حج، ش 5، ص 118، «توصیف مدینہ».
- [121]. فصول من تاریخ المدینہ، ص 173.
- [122]. مرآة الحرمین، ج 1، ص 426.
- [123]. المعارف، ص 128-129؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1778-1779؛ مروج الذهب، ج 2، ص 286.
- [124]. رحلة ابن جبیر، ص 174.
- [125]. رحلة العبدی، ج 1، ص 423؛ بہجة النفوس، ج 2، ص 1049.
- [126]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 102.
- [127]. التعریف بما أنست ہجرہ، ص 121؛ وفاء الوفاء، ج 3، ص 103.
- [128]. آثار اسلامی، ص 348؛ تاریخ حرم ائمہ بقیع، ص 301-302.
- [129]. تاریخ حرم ائمہ بقیع، ص 301-303.
- [130]. تاریخ المدینہ، ج 1، ص 125؛ التحفة اللطیفہ، ج 1، ص 42.
- [131]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 99؛ تاریخ معالم المدینہ، ص 352.
- [132]. نزہة الناظرین، ص 318.
- [133]. وفاء الوفاء، ج 3، ص 100.
- [134]. پنجاہ سفرنامہ، ج 5، ص 239-240.
- [135]. الاخنائیہ، ج 1؛ ص 150؛ الفتاویٰ الکبریٰ، ج 5، ص 292؛ تفسیر قرطبی، ج 11، ص 379.

- [136]. الاخنائیه، ج 1، ص 150؛ الفتاوی الکبری، ج 5، ص 287-292؛ روح المعانی، ج 8، ص 225.
- [137]. من اخبار الحجاز و النجد، ص 104؛ عنوان المجد، ص 137؛ البقیع قصة التدمیر، ص 84.
- [138]. سفرنامه فرهاد میرزا، ص 141.
- [139]. البقیع قصة التدمیر، ص 113-139؛ بقیعالغرقد، ص 49.
- [140]. تخریب و بازسازی بقیعہ روایت اسناد، ص 41-60.
- [141]. مجله خرد، سال 1328 ش، ش 2، به نقل از سایت خبر آنلاین.